

The Minimal Role of Predication on *Taqīyyah* in the Differences of Narrations¹

Sayyed Masoud Mortazavi 

P.HD student of the maaref teaching, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
(Corresponding Author); masoudmortazavi@mail.um.ac.ir

Mohammad-Javad Inayatirad

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Sayyed Mahmoud Tabatabaei


Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Receiving Date: 2022-09-23; Approval Date: 2022/11/03

Abstract

Due to various social, political, and other contextual factors, the Holy Imāms (‘a) sometimes refrained from openly expressing the true rulings and instead resorted to *taqīyyah* (prudential concealment) when conveying religious rulings. To describe this phenomenon, jurists have employed the term “predication on prudential concealment” (*maḡmūl ‘alā al-taqīyyah*). Two primary approaches - maximal and minimal - have emerged regarding the

1. Mortazavi, M. ; (2024); “ The Minimal Role of Predication on Taqīyyah in the Differences of Narrations”; *Jostar_ Hay Fiḡhi va Usuli*; Vol: 10; No: 35; Page: 33-62;

 10.22034/jrj.2022.64792.2541



This Article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

role of *taqīyyah* in the differences found in *aḥādīth* (narrations). Proponents of the maximal approach argue that *taqīyyah* is the primary cause of variation in narrations and consider its influence to outweigh other factors. In contrast, the minimal approach, supported by scholars such as Shaykh al-Mufīd, Sāhib al-Jawāhir, Shaykh al-Anṣārī, and contemporary jurists like Āyatollāh Sayyid ‘Alī al-Sīstānī, assigns *taqīyyah* a much less significant role, treating it as just one among several reasons for differences in narrations.

This study, by analyzing the views of Āyatollāh Sayyid ‘Alī al-Sīstānī and providing relevant evidence and arguments, challenges the significant influence of *taqīyyah* on *ḥādīth* differences. Additionally, it discusses the refinement of *ḥādīth* collections by filtering out *taqīyyah*-based narrations, demonstrating that the presence of such narrations in these collections is minimal.

Keywords: Predication on Prudential Concealment, Ḥādīth Differences, Āyatollāh Sīstānī, Ḥādīth Refinement, *Taqīyyah*.

کارکرد حداقلی حمل بر تقیه در اختلاف احادیث^۱

سید مسعود مرتضوی 

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و دانش آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد- ایران.
نویسنده مسئول؛ رایانامه: masoudmortazavi@mail.um.ac.ir

محمد جواد عنایتی راد

استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد- ایران.
رایانامه: enayati-m@um.ac.ir

سید محمود طباطبایی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد- ایران؛ رایانامه: tabanet@um.ac.ir



کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

چکیده

بر اساس شرایط اجتماعی و سیاسی و اسباب متعدد دیگر، ائمه اطهار علیهم السلام به بیان نکردن حکم واقعی روی آورده و از شیوه تقیه در بیان احکام استفاده نمودند. فقها برای اشاره به این رویکرد، از تعبیری همچون «محمول علی التقیه» استفاده نموده‌اند. پیرامون استفاده از حمل بر تقیه و تأثیرگذاری آن بر اختلاف احادیث دو رویکرد حداکثری و حداقلی شکل گرفته است؛ رویکرد حداکثری سخن گفتن بر اساس تقیه را مهم‌ترین سبب اختلاف حدیث می‌پندارد و نقش تقیه را از دیگر اسباب پررنگ‌تر می‌داند، در مقابل رویکرد حداقلی و اندیشمندانی همچون شیخ مفید، صاحب جواهر،

۱. مرتضوی، سید مسعود و دیگران. (۱۴۰۳). کارکرد حداقلی حمل بر تقیه در اختلاف احادیث. جستارهای فقهی و اصولی، ۱۰(۲)، ۳۳-۶۲.

شیخ انصاری و در میان معاصران آیت‌الله سید علی سیستانی نقش به‌سزا و مهمی برای تقیه در رخدادهای اختلاف حدیث قائل نشده و این سبب را همانند دیگر اسباب اختلاف حدیث می‌دانند. در این پژوهش با تبیین اندیشه آیت‌الله سیستانی در ضمن مقدمات و شواهدی، تأثیرگذاری ویژه تقیه در اختلاف حدیث نفی شده است و با تبیین پدیده پالایش مجامع حدیثی از روایات تقیه‌ای، وجود روایات تقیه‌ای در جوامع حدیثی به‌صورت حداقلی تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: تقیه، حمل بر تقیه، اختلاف حدیث، آیت‌الله سیستانی، پالایش احادیث.

مقدمه

بر اساس شرایط اجتماعی و سیاسی و اسباب متعدد دیگر، ائمه اطهار علیهم‌السلام به بیان نکردن حکم واقعی روی آورده و از تقیه در بیان احکام استفاده نمودند. فقها برای اشاره به این رویکرد ائمه اطهار علیهم‌السلام از تعبیری همچون «محمول علی التقیه» (طوسی، ۱۳۹۰، ۴۸/۱)، «محمول علی ضرب من التقیه» (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰/۱۲۶)، «صدر تقیه» (عاملی، ۱۴۱۹، ۲۱/۷۲)، «خرج مخرج التقیه» (طوسی، ۱۳۹۰، ۱/۶۰) «ورد مورد التقیه» (نجفی، ۱۴۰۴، ۹/۳۶۲)، «ورد للتقیه» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۳/۳۳۶)، «علی سبیل التقیه» (ابن‌طاووس، ۱۴۰۹، ۲۱۰) و تعبیرات مشابه استفاده نموده‌اند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۳۶

این نوشتار بدین پرسش می‌پردازد که آیا حمل بر تقیه نقش ویژه‌ای در اختلاف و تعارض میان روایات بر عهده دارد؟ آیا تقیه مهم‌ترین عامل کیفی و کمی در بروز اختلاف میان احادیث است و در تراش شیعه، نقش تقیه پررنگ‌تر از دیگر عوامل کتمان در روایت است؟ در پاسخ به این سؤال با بررسی آرای فقیهانی همچون شیخ مفید، صاحب جواهر، صاحب حدائق و شیخ انصاری و با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی، به تحلیل گزاره «محمول علی التقیه» و تأثیر آن در پدیده اختلاف احادیث پرداخته می‌شود و به تأثیر حداقلی تقیه در پدیده اختلاف احادیث اشاره می‌گردد.

حمل بر تقیه به‌صورت افراط گونه، موجب از دست رفتن تعداد فراوانی از روایات می‌شود و باعث می‌گردد احادیث متعددی علی‌رغم دارا بودن سند صحیح، به جهت موافقت با عامه، قابل استدلال نباشد؛ چنان‌که به تعبیر شهید اول، مهم‌ترین عامل

اختلافات فقهی از حمل بر تقیه نشأت می‌گیرد (شهید اول، ۱۴۱۹ ق، ۶؛ شهید اول، ۱۳۹۲، ۲۳/۵).

مصادیقی از حمل غلط و بی‌ضابطه تقیه در پژوهش‌های معاصر مورد بررسی قرار گرفته است (صفری، ۱۳۹۴، ۲۳۸). آیت‌الله سیستانی نیز از بی‌ضابطه بودن حمل بر تقیه توسط برخی از اندیشمندان گلایه می‌نماید که در ادامه منعکس می‌گردد.

در ارتباط با مسئله حمل بر تقیه و ضوابط استفاده از این راهکار، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مهم‌ترین اثر در این رابطه، کتاب «نقش تقیه در استنباط» از دکتر نعمت‌الله صفری است. این کتاب علی‌رغم تلاش گسترده و ستودنی، ناظر به اثر ارزشمند آیت‌الله سیستانی یعنی کتاب «تعارض الأدله» نیست و این نکته می‌تواند خللی مهم به شمار آید.

مقاله «باز تبیین کارکرد تقیه در روایات امامیه و نقش آن در استنباط» اثر حسین علی‌سعدی، مقاله «نگرشی تاریخی - تحلیلی به مرجحیت مخالفت با عامه در متون فقه امامیه و تأملاتی در آن» اثر علیزاده نوری، فخلعی و صابری. پژوهش «روش کشف اسباب صدور حدیث» اثر عبدالحمید واسطی به برخی از مسائل مهم و شرایط صدور روایات تقیه از منظر تاریخی، تاریخچه و اقوال فقها در استفاده از حمل بر تقیه و ارائه ضوابط در کشف تقیه بر اساس دیدگاه صاحب جواهر پرداخته است.

رویکرد شیخ طوسی در حمل بر تقیه و نقش مهم ایشان در این موضوع، در سه مقاله «فرضیه‌ای درباره حمل روایات بر تقیه از منظر شیخ طوسی» و «سیر تحول حمل بر تقیه در فقه از دوره شیخ طوسی تا دوره مقدس اردبیلی: تحول از طریقت به موضوعیت» از سید محمدکاظم مددی، «هماهنگی حمل بر تقیه با مرجحات اخبار علاجیه در رویه شیخ الطائفه» از محمد محرمی و همکاران مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقالات ضمن اشاره تاریخی به پدیده حمل بر تقیه، علت استفاده از حمل بر تقیه مبانی خاص شیخ طوسی و بعد از ایشان، اخباری‌ها دانسته شده است. مبانی و اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی در موضوع تقیه در دروس خارج آیت‌الله سید احمد مددی و آیت‌الله مهدی مروارید و جلد هجدهم کتاب «بحوث فی شرح

کارکرد حد اقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۳۷

مناسک الحج» (تقریر دروس سید محمدرضا سیستانی) پرداخته شده است که البته فرصت بسط محتوا در مسئله حمل بر تقیه فراهم نشده است.

نزدیک‌ترین نوشتاری که به ایده و اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی در استفاده از حمل بر تقیه در اختلاف احادیث می‌پردازد، مقاله «نقد و بازخوانی نظریه پالایش منابع حدیثی معتبر از روایات تقیه‌ای» از حسنعلی اخلاقی و محمدحسن حائری است که علاوه بر تقریر نظریه پالایش کتب معتبر از روایات تقیه‌ای به ادله موافقین و مخالفین در مسئله نیز پرداخته شده است و در ضمن نظرات موافقین به نظرات آیت‌الله سیستانی نیز اشاره شده است. نکته‌ای که به‌عنوان آسیب جدی این مقاله مطرح است، ضعف محققان در پاسخ به مدعیات و فرضیه‌های مطرح شده توسط آیت‌الله سیستانی است. همچنین رویکرد اصلی مقاله نامبرده شده، پدیده پالایش روایات تقیه‌ای است در حالی که در این نوشتار در کنار پالایش روایات تقیه‌ای به عوامل و اسباب دیگری که نقش روایات تقیه‌ای در اختلاف حدیث را کاهش می‌دهد، اشاره می‌گردد.

در این مقاله بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله سیستانی در دوره دوم و سوم تدریس مباحث تعادل و تراجیح که به تقریر سید هاشم هاشمی در قالب کتاب «تعارض الأدله و اختلاف الحدیث» در دو جلد منتشر شده است، به دیدگاه‌های ایشان پرداخته شده است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۳۸

۱. عدم ضابطه در حمل بر تقیه

دغدغه اصلی آیت‌الله سیستانی از پرداختن به مباحث تقیه در میان اسباب کتمان و اختلاف حدیث، عدم انضباط و بی‌ضابطگی در کاربست تقیه است.

روش بسیاری چنین است که در مواجهه با دو خبر متعارض، اگر یکی از آن دو در توافق با قول اهل سنت پنداشته شود، بر تقیه حمل می‌گردد و در این رابطه ضوابط دیگری مدنظر قرار نمی‌گیرد. این غفلی است که سبب بروز خطاهایی فاحش گشته و بی‌ضابطی در حمل بر تقیه را به ارمغان آورده است. اگر صرف موافقت با عامه در حمل بر تقیه به‌عنوان راه‌حل اختلاف احادیث کافی بود،

باید در آثار اصحاب و قدما به این مسئله توجه داده می‌شد و ضوابط آن تبیین می‌گردید، در حالی که پیرامون آن در آثار گذشتگان اثری یافت نمی‌شود (سیستانی، ۱۳۹۸، ۱/۳۲۴).

محمدحسن نجفی، استفاده بی‌ضابطه از حمل بر تقیه را موجب از بین رفتن قواعد مذهب می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۹/۲۶۳) و علت استفاده برخی فقها از حمل بر تقیه را اضطرار ناشی از انتخاب مبنا و مشاهده روایات مخالف آن می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۱۳/۶۵).

۲. تاریخچه حمل بر تقیه

آیت‌الله سیستانی در بحث حمل بر تقیه، متعرض تاریخچه مسئله و سیر تاریخی آن نشده بلکه به نقل اقوال در مسئله بسنده کرده است.

پیرامون حمل بر تقیه، می‌توان رویکرد فقها را به قبل از شیخ طوسی و دوران بعد از ایشان تقسیم نمود.

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۳۹

۲/۱. قبل از شیخ طوسی

در میان آثار فقهی و روایی قبل از شیخ طوسی از جمله آثار کلینی (۳۲۹ ق)، شیخ صدوق (۳۸۱ ق)، شیخ مفید (۴۱۳ ق) و سلار (۴۴۸ ق) کمتر به موارد حمل بر تقیه برخورد می‌نماییم (صفری، ۱۳۹۴، ۲۴۶).

در «مقنع» و «هدایه» شیخ صدوق، «تأویل الدعائم» مغربی، «مراسل» سلار، «کافی» ابوصلاح، «مهذب» و «جواهر» ابن براج، کتب شیخ مفید مثل «المقنع»، «الاعلام»، «الاشراف»، «المهر و النساء»، از راهکار حمل بر تقیه در هنگام اختلاف میان احادیث استفاده نشده است (میرحسینی و باباخانی، ۱۳۹۷، ۹۴). از کتب حدیثی جوامع روایی متقدم از جمله «فقه الرضا»، «مسائل» علی بن جعفر، «قرب الاسناد» حمیری، «محاسن» برقی، «نوادر» اشعری، «جعفریات» محمد بن اشعث، «دعائم الاسلام» مغربی، «کامل الزیارات» ابن قولویه، «معانی الاخبار» صدوق، اثری از حمل بر تقیه دیده نمی‌شود (میرحسینی و باباخانی، ۱۳۹۷، ۹۴).

۲/۲. دوران شیخ طوسی و پس از آن

توسعه حمل بر تقیه در دوران شیخ طوسی در قرن پنجم اتفاق افتاده است. در «تهذیب الاحکام» و «استبصار»؛ دو کتاب روایی شیخ طوسی موارد متعددی از حمل بر تقیه مشاهده می‌شود. البته در کتب فقهی شیخ طوسی همچون «النهایه» و «المبسوط» در مقایسه با کتب روایی کمتر از حمل بر تقیه بهره برده شده است (صفری، ۱۳۹۴، ۲۴۷).

پس از شیخ طوسی و توسعه وی در استفاده از حمل بر تقیه، دیگر علما نیز این رویکرد را ادامه داده و حمل بر تقیه به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های تعارض روایات، مورد استفاده بیشتر فقها واقع گردید. البته توسعه یا تقلیل دیدگاه شیخ، در دوران مختلف بعد از ایشان متفاوت است به‌عنوان نمونه استفاده از رویکرد حمل بر تقیه در دوران اخباری‌ها با تأکید بر مبنای صحت روایات کتب اربعه به کثرت و تعدد رسید (موسوی المددی، ۱۳۹۳، ۱۰۶).

۳. اقوال در مورد حمل بر تقیه

پیرامون حمل بر تقیه توسط فقها دو رویکرد حداقلی و حداکثری وجود دارد. برخی نقش تقیه را در میان روایات پررنگ و حمل بر تقیه را حداکثری تبیین می‌نمایند و در مقابل قول دیگر به تقیه حداقلی و پررنگ نبودن این عامل نسبت به سایر اسباب کتمان، معتقد است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۴۰

۳/۱. قول اول: تأثیرگذاری حداکثری تقیه در اختلاف حدیث

محدث بحرانی، تقیه را به‌عنوان عامل مهم اختلاف حدیث می‌شمارد و معتقد است اغلب و بلکه همه اختلاف میان احادیث از تقیه نشأت گرفته است (بحرانی، ۱۴۰۵، ۸/۱). محدث استرآبادی از دیگر علمای اخباری نیز در ضمن روایات کشیدن آب چاه بیان می‌کند که اکثر روایات متضمن تقیه است (بحرانی، ۱۴۰۵، ۸/۱، پانویس ۱). صاحب معالم در ضمن نقد کلام محقق حلی در معارج، تفسیر افتا به موافق عامه را به تقیه منحصر ندانسته است اما احتمال تقیه را نزدیک‌تر و ظاهرتر می‌داند و به‌موجب

آن ترجیح به مخالفت با عامه در حلّ دو روایت متعارض را کافی می‌داند (ابن شهید ثانی، ۱۳۱۸، ۳۹۵).

شهید صدر نقش تقیه را در تعارض روایات پیرنگ دانسته و استفاده از رویکرد تقیه توسط اهل بیت علیهم‌السلام را با توجه به شرایط زیست و خفقان، ضروری تلقی کرده است (صدر و هاشمی شاهرودی، بی‌تا، ۲۸/۷).

۳/۲. قول دوم: تأثیرگذاری حداقلی تقیه در اختلاف حدیث

شیخ انصاری ضمن نقد کلام محدث بحرانی، عمده اختلاف میان احادیث را در کثرت اراده خلاف ظاهر در میان روایات دانسته است و استفاده از تقیه را صرفاً به‌عنوان یکی از طرق اختلاف حدیث بر شمرده است (انصاری، ۱۴۲۸، ق، ۴/۱۳۰).

شیخ طوسی هنگام تساوی دو راوی در عدالت، به روایتی عمل می‌نماید که مضمونش از قول عامه و اهل سنت دورتر باشد که این کلام، مورد نقد محقق حلی واقع شده است (محقق حلی، ۱۴۲۳، ق، ۲۲۵). آیت‌الله سیستانی درباره این مطلب اینگونه توضیح می‌دهد که مخالفت با واقع منحصر در تقیه نبوده و ممکن است مخالفت با واقع در قالب اسباب دیگری همچون اختلاف میان شیعیان و سواق به کمال تحقق یابد. بدین معنا که گاهی اوقات ابعاد بودن از عامه به دلیل صدور روایات موافق با عامه به‌صورت تقیه‌ای است و گاهی به مصالح دیگری که امام آن را صلاح می‌داند، این رویکرد اتخاذ شده است (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۰/۱).

به نقل شیخ اسدالله تستری از شیخ مفید در کتاب «کشف القناع» (کاظمی، بی‌تا، ۱۹۱)، وی نیز تأثیر جدی پدیده تقیه در اختلاف احادیث را قبول نداشته و روایات تقیه‌ای در باب عدد روزهای ماه رمضان را از راویان ثقة نمی‌داند (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۴۸). محمدحسن نجفی صاحب کتاب جواهر الکلام، در موارد متعددی احتمال حمل بر تقیه را کمرنگ دانسته است و استفاده بی‌رویه آن را عجیب تلقی می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۳۶۲/۹).

آیت‌الله سیستانی نیز عدم نقش مهم تقیه در پدیده اختلاف حدیث را از پدیده پالایش جوامع حدیثی متقدم از روایات تقیه‌ای نتیجه گرفته و برای اثبات تجرید و

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث
۴۱

پالایش جوامع روایی از تقیه، از مقدمات و شواهدی بهره می‌گیرد (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۵/۱). اگرچه ایشان در تقریرات تعارض الادله و اختلاف الحدیث، ضمن چهار امر و مقدمه، مدعی ذکر شده را نتیجه می‌گیرد اما می‌توان با تحلیل و دقت بیشتر، مباحث ایشان را در ضمن نکات مستقل بیشتری بیان نمود.

دیدگاه حداقلی پیرامون تأثیرگذاری تقیه در اختلاف حدیث مختص آیت‌الله سیستانی نبوده و در کلام دیگرانی همچون صاحب جواهر و شیخ مفید نیز مطرح شده است، اما ابتدای این نظریه بر مقدمات و شواهدی باورپذیر و تنقیح علمی آن از نوآوری‌های آیت‌الله سیستانی به شمار می‌رود. در کلام صاحب جواهر بر شناسایی روایات تقیه توسط خواص و اختصاص تقیه به ضرورت تأکید شده است در حالی که آیت‌الله سیستانی، بر مجموعه‌ای از مقدمات و شواهد در اثبات مطلوب بهره برده است. این مقدمات در قالب هفت امر بیان می‌گردد.

۱/۲/۳. اختصاص تقیه به موارد ضرورت

اصل عدم تقیه اصل عقلایی است که در کلام امام معصوم جاری می‌شود و عدول از این اصل نیازمند سبب و دلیل خاص است؛ به همین دلیل فقها، استخدام تقیه و حمل بر آن را در موارد ضرورت تجویز نموده‌اند

بر این اساس حمل بی‌ضابطه تقیه در موارد متعدد صحیح نبوده و صرف موافقت قول امام علیه السلام با عامه، موجب حمل بر تقیه نمی‌شود؛ زیرا برای امام علیه السلام مقدور است از طریق توریه، سکوت، بیان اقوال متعدد و اختلاف‌افکنی در مسئله یا به گونه‌ای دیگر احکام شرعی را بیان کند. در نتیجه مواردی که استفاده از راهکارهای نام‌برده ممکن نباشد و به تعبیری ضرورت و اضطرار باشد، نادر و بسیار اندک است (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۵/۱). در روایات متعدد، حدومرز تقیه بیان شده است و مدعای فوق تأیید می‌گردد. به‌عنوان نمونه در کتاب وسائل الشیعه و دیگر کتب حدیثی، بابی با عنوان «بَابُ وُجُوبِ التَّقِيَةِ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ بِقَدْرِهَا وَ تَحْرِيْمِ التَّقِيَةِ مَعَ عَدَمِهَا» مطرح شده است و در ضمن آن روایات متعددی به این مضمون مورد اشاره قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق. ۱۶/۲۱۴)؛ چنان‌که بر اساس روایت مسمعی (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش. ۲/۲۰) و دیگر

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۴۲

روایات (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲/۲۲۰-۱۶۸)، استفاده از تقیه صرفاً در موارد خوف و ضرورت جایز دانسته شده است.

۳/۲/۲. تشخیص روایات تقیه‌ای توسط خواص

امامان شیعه علیهم‌السلام همچون بسیاری از رهبران و شخصیت‌های شناخته‌شده، بر اساس ظروف زمانی و شرایط مکانی از تقیه بهره جسته‌اند. تشخیص روایات تقیه‌ای ممکن است برای توده مردم، کسانی که از مرکز ولایت و تشریح مناسک، بُعد مکانی دارند و دشمنان و معاندین، سخت و دشوار باشد و به همین جهت روایات تقیه‌ای توسط آنان نقل می‌گردد اما بر خواص اصحاب و نزدیکان به امامان علیهم‌السلام و کسانی که اصول و چارچوب فکر شیعه و معارف آن را می‌شناسند، امر مشتبه نمی‌شود و به سرعت اقوال و روایات تقیه‌ای امام علیهم‌السلام را می‌شناسند (سیستانی، ۱۳۹۸، ۱/۳۲۶).

صاحب جواهر در عبارات متعدد از اصحاب خاص با تعبیر «الخاصه»، «البطانه» و «اساطین الاصحاب» یاد نموده است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۹/۳۶۲؛ ۷/۱۶۴-۷۱؛ ۳۰/۳۹). به‌عنوان نمونه زراره پیرامون پاسخ امام علیهم‌السلام به یکی از اصحاب نسبت به مسئله میراث، صدور حکم از ایشان را تقیه‌ای دانست و همچنین در میان اصحاب جمله «اعطاک من جراب النوره» (طوسی، ۱۳۹۰، ۴/۱۷۵) و «اعطاک من عین کدره» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۵/۴۸۶) معروف بوده است (بهبهانی، ۱۴۱۵ ق، ۴۶۱) و مقصود از آن بیان حکم غیر واقعی در پاسخ به سؤالات در شرایط تقیه است (طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۵۰۶).

پیرامون حمل روایات بر تقیه، سخن در مطلق روایاتی که توسط دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام یا توده مردم و افراد غیر مطلع نقل می‌شود، نیست بلکه ادعای مطرح شده، در روایاتی است که توسط افراد ویژه، ثقه و خواص اصحاب نقل گردیده است. به همین جهت، کثرت روایات تقیه‌ای و ورود آن به جوامع حدیثی محل تردید و تأمل است؛ زیرا پس از شناخت روایات تقیه‌ای، از ورود آن به جوامع حدیثی جلوگیری می‌گردد (سیستانی، ۱۳۹۸، ۱/۳۲۷).

مدعای مطرح شده پیرامون توانایی اصحاب در شناخت روایات تقیه‌ای مورد تأیید دیگر اندیشمندان نیز واقع شده است.

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۴۳

در طرف مقابل برخی ادعای نام برده را نقد نموده و به صورت تفصیلی به این مسئله پرداخته‌اند (صفری، ۱۳۹۴، ۳۱۱). نسبت به سخن صاحب جواهر دو جواب نقضی و حلی مطرح گردیده است. جواب نقضی، نقدی بر عملکرد حمل بر تقیه توسط صاحب جواهر است؛ زیرا ایشان در کتاب جواهر موارد متعددی را بر تقیه حمل نموده‌اند. اگر اصحابی مانند زراره تقیه را می‌شناختند چگونه این تعداد از روایات توسط صاحب جواهر حمل بر تقیه شده است. در جواب حلی نیز پیرامون اصحاب خاص ائمه اطهار علیهم‌السلام که صاحب جواهر از ایشان تعبیر به بطانه نمود، تردید شده است و بیان می‌شود که ملاک و ضابط مشخصی برای تعریف اصحاب خاص تبیین نشده است که این مسئله، راه هرگونه اختصاص و کشف روایات تقیه‌ای توسط خواص را بی‌معنا و غیرقابل تحقق می‌گرداند (صفری، ۱۳۹۴، ۳۱۱).

۳/۲/۳. کیفیت تدوین روایات در جوامع حدیثی

دقت در کیفیت جمع‌آوری، تنقیح احادیث و نحوه ورود روایات به کتب حدیثی، مؤیدی بر عدم کثرت روایات تقیه‌ای است (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۸/۱). راویان پس از دریافت روایت از معصوم علیه‌السلام، جهت اطمینان از صحت و وسقم دریافت و تأیید مضمون روایت، آن را بر فقیهان و بزرگان عرضه می‌نمودند. به‌عنوان نمونه عمر بن اذینه، روایت محمد بن مسلم که از فقیهان بزرگ شیعه است را بر زراره عرضه می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۹۴/۷)، همچنین ابن بکیر، روایت و حکمی را بر زراره عرضه می‌کند و زراره بیان می‌کند که این حکمی تردیدناپذیر در میان فقهای شیعه است (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱۰۴/۷). این سیره بعد از اصحاب توسط علما نیز ادامه پیدا می‌کند.

رویکرد دوم در تدوین جوامع و کتب حدیث، القاء احادیث و جوامع روایی توسط اساتید به شاگردان است؛ به این معنا که اساتید فن، احادیثی که صحیح و خالی از شبهه است را بر شاگردان قرائت نموده و احادیث در چنین فرایندی به نسل‌های بعد منتقل می‌گردد. از جمله گزارش شده است علا بن رزین شاگرد محمد بن مسلم، صفوان بن یحیی شاگرد عبدالرحمن بن حجاج در دریافت حدیث بوده‌اند (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۷/۱).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال دهم، شماره پیاپی ۲۵
تابستان ۱۴۰۳
۴۴

۴/۲/۳. عدم ذکر تقیه به عنوان علت اختلاف حدیث در کلام ائمه متأخر علیهم السلام

در روایاتی پیرامون راه حل اخبار متعارض صادر شده از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام از امامان متأخر از ایشان سؤال شده است و پاسخ امامان علیهم السلام تنبیه به حمل بر تقیه و صدور یکی از دو روایت به صورت تقیه‌ای نبوده است.

در کلام آیت‌الله سیستانی برای این مدعا مصداقی بیان نشده است اما می‌توان به عنوان مثال به روایت علی بن مهزیار که امام علیه السلام راه حل اختلاف احادیث را تحبیر دانست (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۲۲۸/۳) و نیز به روایت امام هادی علیه السلام که ایشان هم به صراحت حکم به عدم صحت نماز نمودند و از رویکرد دیگری استفاده نکردند، اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۰۵/۳). همچنین نمونه‌های بسیاری از عرضه به قصد حلّ تعارض بر امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه در دسترس است که راوی با توجه به اختلاف در مسئله، حکم را می‌پرسد و سپس دو طرف اختلاف را با آن می‌سنجد و از این طریق، تأیید و رد امام علیه السلام را نسبت به هر طرف به دست می‌آورد.

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۴۵

۵/۲/۳. عدم تقیه در مسائل مهم اعتقادی و فقهی و انعکاس آن در جوامع روایی

در کتب حدیثی شیعه اموری از مباحث اعتقادی و فقهی ذکر شده است که از نظر اهمیت در بردارنده اساس فکر شیعه و مختصات مذهب است و از نظر شناخت و اهمیت مسئله، تقیه در این نوع مباحث ضروری‌تر به نظر می‌رسد اما این مسائل به وضوح و شفافیت در کتب حدیثی منتشر شده است (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۹/۱).

روایات متعدد در فضائل خاص ائمه اطهار علیهم السلام، مقامات بالای معنوی ایشان، خلقت نورانی امامان علیهم السلام (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۴۰/۱)، فضیلت زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام (نوری، ۱۴۰۸ ق، ۲۸۴/۱۰)، تعلق خمس و انفال به ایشان (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۵۳۸/۹)، فضیلت اماکن مقدس شیعه مانند مسجد کوفه (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲۸/۴) و سهله (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق، ۱۳۴)، فضیلت و برتری آب فرات (ابن قولویه، ۱۳۹۸، ۴۸/۱) و همچنین روایات متعددی که به بیان مطاعن دشمنان اهل بیت علیهم السلام پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۳، ۲۹-۳۰-۳۱)، از جمله مصداق مدعای مطرح شده است.

اگر حمل بر تقیه در روایات نقش پررنگی داشته باشد، سزاوار است در این نوع مسائل حساس و اختلافی که در مخالفت با اعتقادات عامه است، مورد تأکید و دستاویز قرار گیرد درحالی که چنین اتفاقی نیفتاده است. چگونه تقیه در این نوع از روایات توسط ائمه اطهار علیهم السلام اتخاذ نشده است و ادعا می شود در فروع فقیه که از اهمیتی به مراتب پایین تر نسبت به امور نام برده شده برخوردار است، تقیه صورت گرفته باشد؟! همچنین تقیه در برخی از مناسک و احکام فقیه مهم صورت نگرفته است. به عنوان نمونه مسئله جواز ازدواج موقت (شهید اول، ۱۴۱۰ ق، ۲۸۳/۵)، عدم جواز مسح بر کفش و مانع (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳۲/۳)، بطلان عول و تعصیب در مسئله ارث که اهل سنت در آن مخالف با شیعه هستند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۴۳۱/۱۷) مورد تقیه واقع نشده است و در این زمینه کتب مستقل و روایات متعددی توسط اصحاب به دست ما رسیده است، حال چگونه در مسائل فرعی فقیه که خود اهل سنت دارای اختلاف فراوان و اقوال متعدد می باشند، و از اهمیت کمتر برخوردار است، حمل بر تقیه رواج و کثرت داشته باشد؟! (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۹/۱)

جستارهای
فقهی و اصولی
سال دهم، شماره پیاپی ۳۵
تابستان ۱۴۰۳
۴۶

۳/۲/۶. عدم حضور یا عدم سلطه علمی علما و مذاهب فقیه در عصر صدور روایات

حمل بی ضابطه تقیه گاهی به دلیل عدم توجه به جغرافیای صدور روایت و میزان تاثیر و سلطه علمی مذاهب فقیه عصر امامان معصوم علیهم السلام صورت گرفته است. همچنین برخی در حمل کلام اهل بیت علیهم السلام بر تقیه ضوابط ابتدایی در امکان تقیه را توجه نکرده که در ذیل بدان اشاره می گردد.

۳/۲/۶/۱. توجه به تاریخ زیست رهبران مذاهب اربعه

گاه روایاتی بر اساس موافقت با عامه حمل بر تقیه شده است که فقیه صاحب نظر عامی در آن مسئله، اساساً بعد از صدور نص روایت به دنیا آمده است! به عنوان نمونه فاضل هندی پیرامون روایت بیانگر کیفیت تشهد، تقیه امام باقر علیه السلام از شافعی و احمد بن حنبل را مطرح می کند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ۲۳۱/۱)، درحالی که در ایام زندگانی امام باقر علیه السلام (۱۱۴-۵۷ ق) اساساً شافعی (۱۵۰-۲۰۴ ق) و احمد

بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ق) به دنیا نیامده اند!!

زین الدین آبی نیز از تقیه‌ای بودن حدیث امام صادق علیه السلام از مذهب شافعی و مالکی سخن می‌گوید (آبی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰۵/۱) در حالی که باتوجه به دوران زندگانی امام صادق علیه السلام (۸۳-۱۴۸ ق) تقیه ایشان از مذهب شافعی و مالک بن انس (۹۵-۱۷۹ ق) بی‌معنا است.

۳/۲/۶/۲. عدم تأثیرگذاری رهبران مذاهب فقهی

بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی عصر صدور روایات به‌خصوص دوران حضور صادقین علیهم السلام نقش مهمی در شناخت حمل بر تقیه دارد. بر این اساس می‌توان ادعا نمود بسیاری از رهبران مذاهب اربعه دارای جایگاه اجتماعی و سیاسی که موجب تقیه امام معصوم علیه السلام گردد، نبودند و در بسیاری از موارد مورد غضب و طرد حاکمیت قرار گرفتند (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۳۰/۱). موقعیت اجتماعی و سیاسی مالک، ابوحنیفه، شافعی و احمد بن حنبل در برخی از پژوهش‌های معاصر ...

۳/۲/۶/۳. توجه به مکان حضور امام علیه السلام و نقش آن در صدور روایات

علاوه بر مؤثر بودن عنصر زمان، مکان صدور نص نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ممکن است فقهی با مکانت علمی در شهری دیگر تأثیرگذار بوده است اما در شهر حضور امام علیه السلام، موجبی برای تقیه او وجود نداشته باشد. چگونه فتوای یک فقیه در شام که محل ابتلا و عمل کوفیان و اهل مدینه نبوده است، باید موجب تقیه امام علیه السلام در کوفه یا مدینه باشد؟! (سیستانی، ۱۳۹۸، ۲۳۴/۱).

۳/۲/۶/۴. اختلافات فراوان در میان علمای اهل سنت، مانعی برای حمل بر تقیه

در میان مذاهب اربعه و نسبت به یکدیگر، اختلافات فراوانی دیده می‌شود و طرفداران هر گروه به طعن، نقد و مناقشه دیگری پرداخته است. صفحات تاریخ پر است از مطاعن ابوحنیفه و دیگر رهبران مذاهب اربعه (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ۱۳/۴۱۵) که البته نقش حکومت در گسترش این اختلافات به جهت بهره‌برداری اغراض سیاسی و تعصبات قومی و قبیله‌ای پررنگ و غیرقابل انکار است.

علمای عامه در بسیاری از فروعی که مخالف با مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند، در میان خود نیز دارای اقوال و اختلافات فراوانی هستند و همین نکته موجب

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۴۷

توجیه‌ناپذیری کثرت حمل بر تقیه می‌گردد. حکمت تقیه موافقت با عامه و دفع خطر است اما در مسائل اختلافی میان اهل سنت، خطری متوجه اقوال اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌شود؛ زیرا اقوال ایشان همانند دیگر اقوال مختلف اهل سنت تلقی می‌گردد (سیستانی، ۱۳۹۸، ۱/۳۳۱).

۷/۲/۳. رابطه اسباب و علل تقیه با توجیه‌ناپذیری کثرت حمل بر تقیه

با بررسی اسباب و علل تقیه می‌توان ادعا نمود که یکی از ویژگی‌های احکام تقیه‌ای، ماندگار نبودن آن است و مصلحت تقیه، اقتضای می‌نماید که صدور حکم غیرواقعی و همراه با کتمان، به صورت موقتی باشد. به همین جهت پس از رفع موانع و از بین رفتن شرایط تقیه، امام معصوم علیه‌السلام بایان حکم واقعی به تقیه‌ای بودن حکم سابق اشاره می‌نماید (سیستانی، ۱۳۹۸، ۱/۳۲۲).

برای تأیید این مدعا، لازم است به اسباب تقیه اشاره شود:

الف. حفظ جان سؤال‌کننده از کید دشمنان که از دوراه قابل تشخیص است: ۱. امام علیه‌السلام حکم واقعی و تقیه‌ای بودن پاسخ را برای وی مشخص می‌نماید؛ ۲. دیگر اصحاب و خواص بر تقیه‌ای بودن پاسخ امام علیه‌السلام تنبیه یافته باشند؛ زیرا می‌دانند که سؤال‌کننده در معاشرت و همزیستی اهل سنت بوده است.

ب. پاسخ بر اساس اعتقادات سائل و تقیه در آن که این مورد نیز، از محل بحث خارج است؛ زیرا محل بحث در روایات با روایان عامی نیست و احتمال تقیه‌ای بودن در روایات عامی مورد تصدیق است. محل بحث در کثرت حمل بر تقیه در روایات افراد مورد اطمینان شیعه است. در روایات بیان گردیده است که افراد ثقه و خواص اصحاب دقت نمایند تا در شرایط تقیه و یا مجلسی که با حضور عامه قرین شده است، سؤال از احکام شرعی نپرسند.

ج. ترس از سلطان و حاکمیت که به‌عنوان یکی از اسباب مهم تقیه شمرده شده است، پایدار نبوده و بر اساس فراز و نشیب قدرت، استخدام تقیه توسط معصومین علیهم‌السلام متفاوت است (سیستانی، ۱۳۹۸، ش، ۱/۳۳۲).

د. پرهیز از غلات و سوءاستفاده‌گالیان نیز به تدریج و با روشن شدن انحراف

فکری آنان از بین می‌رفته است و این‌گونه احادیث نیز دلیلی برای باقی ماندن در کتب روایی نمی‌یابند و توسط اصحاب پالایش می‌شود.

بر این اساس حمل بر تقیه به‌عنوان مهم‌ترین یا یکی از اسباب مهم حل تعارض میان روایات، با عدم پایداری حکم تقیه‌ای و اسباب و علل تقیه تناسب ندارد و احکام تقیه‌ای با رفع موانع توسط ائمه علیهم‌السلام تذکر داده می‌شود یا طریقی برای شناخت آن‌ها فراهم می‌گردد.

۳/۳. نقد و بررسی اقوال

آیت‌الله سیستانی در تأیید قول نخست (تأثیرگذاری حداکثری تقیه در اختلاف حدیث)، روایات متعددی که در هنگام تعارض، مخالفت با عامه را به‌عنوان مرجح بر شمرده‌اند، شاهدهی بر وجود روایات تقیه‌ای دانسته است. البته از آنجا که ایشان طرفدار قول دوم در مسئله است، پیرامون روایات «خذ ما خالف العامه» بایان احتمالات متعدد در معنای اخذ، آن را مؤید کثرت روایات تقیه و حمل بر تقیه نمی‌داند (سیستانی، ۱۳۹۸ ش، ۱/۳۳۳).

در مورد قول دوم (تأثیرگذاری حداقلی تقیه در اختلاف حدیث) نیز به تفکیک، امور هفت‌گانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

پیرامون امر اول (اختصاص تقیه به موارد ضرورت)، می‌توان با پذیرفتن اصل اختصاص تقیه به ضرورت، از مبهم بودن تشخیص ضرورت نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام سخن گفته است و سنجش ضرورت نسبت به آنان را با توجه به شرایط پیچیده زمانشان غیرمقدور دانسته است. شاهد این مطلب، آن است که در برخی موارد اساساً ائمه علیهم‌السلام بدون اینکه سؤالی وجود داشته باشد، به‌صورت ابتدائی کلامی تقیه‌ای بیان نموده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۳/۲۷).

پیرامون امر دوم (تشخیص روایات تقیه‌ای توسط خواص) و اشکالاتی که بر صاحب جواهر مطرح گردیده است، می‌توان در نقد جواب نقضی چنین گفت که ادعای صاحب جواهر و بسیاری از فقیهان مبنی بر شناخت روایات تقیه‌ای توسط اصحاب، به پاک‌سازی کامل روایات تقیه‌ای منجر نمی‌شود؛ زیرا برای ذکر روایات

تقیه‌ای در میان روایات و تراث، حکمت و جهات مختلفی قابل تبیین است. از جمله می‌توان تنبیه بر اصل وجود تقیه توسط امامان علیهم‌السلام، تبیین شرایط سخت اجتماعی و فرهنگی آن دوران و تحلیل بهتر از فضای صدور روایات را مورد اشاره قرار داد. همچنین تعدادی از روایات تقیه‌ای با ذکر شاهد و قرینه که توسط اهل فن قابل تشخیص است، در تراث روایی منعکس شده است که ذکر این نوع از روایات تقیه‌ای نیز مانعی ندارد.

در رابطه با پاسخ حلی نیز می‌توان بیان نمود که اصحاب و خواص ائمه علیهم‌السلام، قدرت تشخیص صدور روایات تقیه‌ای را داشته و می‌توانستند بر این اساس میان احکام واقعی و ظاهری تمایز قائل شوند و این امر مسئله‌ای اتفاقی و غیر اختلافی است که در پژوهش‌های متعددی بدان اشاره شده است (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ ق، ۲۵).

همچنین صدور روایات متعدد که در بردارنده تعبیر جراب نوره است، توسط نویسندگان کتاب، مورد تحلیل قرار نگرفته است و قدر متیقن از این روایات، به فهم و تشخیص روایات تقیه‌ای توسط عده‌ای از اصحاب دلالت می‌نماید. در خصوص روایت ارث زراره، امام علیه‌السلام ادعای اصحاب بر شناخت روایت تقیه‌ای و مصداق جراب نوره بودن را تخطئه می‌نماید (صفری، ۱۳۹۴، ۳۱۴) اما همین تخطئه بیان می‌کند که اصحاب در ارتکاز خویش چنین رویکرد و شناختی نسبت به روایات تقیه‌ای داشته‌اند و بر اساس آن عمل می‌کردند که اگر مورد نفی و اشکال امام علیه‌السلام واقع نشود، مورد اخذ و عمل دیگر اصحاب و فقها قرار می‌گیرد.

امر چهارم (عدم ذکر تقیه به عنوان علت اختلاف حدیث در کلام ائمه متأخر علیهم‌السلام قابل السلام) قابل مناقشه و تردید است؛ چرا که در عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام بعد از امام رضا علیه‌السلام با توجه به خفقان شدید و حاکمیت قدرت بنی عباس به خصوص در عصر امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام امکان پاسخ به تقیه‌ای بودن مسائل اختلافی وجود نداشته است و پاسخ‌ها همراه با کتمان، توریه و معاریض صورت می‌پذیرد. به دیگر تعبیر، نمی‌توان از عدم پاسخ به تقیه در حل تعارض میان روایات، این نتیجه را گرفت که حمل بر تقیه به عنوان راه حل تعارض مطرح نشده است؛ زیرا ممکن است استمرار شرایط تقیه‌ای، مجوز برای معرفی

تقیه به عنوان راه حل تعارض روایات را میسور نسازد.

آنچه به عنوان نقد و نظر می‌تواند در امر ششم (عدم حضور یا عدم سلطه علمی علما و مذاهب فقهی در عصر صدور روایات) مطرح گردد، آن است که تکیه فرمایش آیت‌الله سیستانی پیرامون عدم امکان حمل بر تقیه، مواجهه ائمه معصومین با رهبران مذاهب اربعه است در حالی که علما و مذاهب فقهی منحصر در چهار شخصیت مهم و چهار مذهب نبوده است و فقیهانی همچون لیث بن سعد، محمد بن جریر طبری، عبدالرحمن بن عمرو و زاعی، ابو ثور و اسحاق بن راهویه نیز دارای مذهب فقهی بوده‌اند و امکان تقیه امام علی (ع) از آنان بر اساس شرایط زمانی و مکانی خاص محتمل است و نباید همانند برخی از فقیهان (یزدی، بی‌تا، ۱/۲۶۱) مشهور بودن قول عامه و موافقت با فقیهان اربعه را شرط تحقق تقیه دانست؛ زیرا این مسئله به نادیده گرفتن نقش دیگر فقیهان عصر صدور روایت در حمل بر تقیه منجر می‌شود (علیزاده نوری و فخلعی و صابری، ۱۳۹۳، ۸۱)

همچنین در فرمایش آیت‌الله سیستانی، شرایط حمل تقیه در زمان صادقین (ع) مورد بررسی قرار گرفته است اما انحصار بررسی مصادیق تقیه در زمان صادقین (ع) صحیح نیست بلکه رابطه میان مذاهب اربعه و فقیهان آن با دیگر ائمه (ع) به خصوص امام کاظم (ع) تا زمان امام عسکری (ع) نیازمند بررسی و تحلیل است. از جمله احتمال صدور روایات تقیه‌ای در زمان امام هادی (ع) بر اساس مذهب فقهی احمد بن حنبل و در زمان امام کاظم (ع) بر اساس مذهب ابوحنیفه وجود دارد که در آرای آیت‌الله سیستانی بدان اشاره نشده است.

در پایان تأکید بر این مسئله شایان توجه است که آیت‌الله سیستانی کارکرد حداقلی حمل بر تقیه در اختلاف حدیث را در ضمن اموری تبیین نمودند که در میان مقدمات و امور نامبرده برخی به نفی حداکثری تقیه در اختلاف حدیث مرتبط می‌گردد و برخی دیگر حضور حداقلی تقیه در جوامع حدیثی را به دنبال دارد. به دیگر تعبیر استدلال به برخی از امور برای کارکرد حداقلی تقیه در اختلاف حدیث، استدلال به دلیل اعم از مدعا و نه دلیل مساوی با مدعا است.

البته این نکته قابل توجه است که آیت‌الله سیستانی از میان نظریه پالایش جوامع

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۵۱

حدیثی متقدم از تقیه و تجرید اصول از آن که در ادامه اشاره می‌گردد، در صدد نفی کارکرد حداکثری تقیه در اختلاف حدیث و ممنوعیت استفاده گسترده از مرجح (خذ ما خالف العامه) در تعارض و اختلاف حدیث است؛ در نتیجه اگرچه برخی از مقدمات منجر به نفی حضور تقیه در جوامع حدیثی می‌گردد اما به صورت غیر مباشر کمک به فرضیه کارکرد حداقلی تقیه در اختلاف حدیث می‌نماید.

به صورت نمونه اختصاص تقیه به موارد ضرورت، تشخیص روایات تقیه‌ای توسط خواص، کیفیت تدوین روایات در جوامع حدیثی اعم از مدعا است و عدم ذکر تقیه به عنوان علت اختلاف حدیث در کلام ائمه متأخر علیهم‌السلام، عدم حضور یا عدم سلطه علمی علما و مذاهب فقهی در عصر صدور روایات، رابطه اسباب و علل تقیه با توجیه‌ناپذیری کثرت حمل بر تقیه و عدم تقیه در مسائل اهم اعتقادی و فقهی، به کار بست حداقلی تقیه در اختلاف حدیث دلالت می‌نماید.

۴. بررسی ادعای پالایش جوامع حدیثی از روایات تقیه‌ای

یکی از مهم‌ترین مبادی و پیش فرض‌های بحث حمل بر تقیه، عدم تصفیه کتب روایی شیعه از روایات تقیه‌ای معرفی شده است (صفری، ۱۳۹۴، ۳۰۹). آیت‌الله سیستانی نیز بر اساس عدم قبول پیش فرض مطرح شده و اعتقاد به تصفیه جوامع حدیثی از روایات تقیه‌ای، حمل بر تقیه را مختص به ضرورت و در غایت ندرت بر می‌شمارد. در کلام آیت‌الله سیستانی از پدیده پالایش احادیث با تعبیر تجرید اصول (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۳/۱) و در گفتار صاحب جواهر از این رویکرد با تعبیر تصفیه اصول (نجفی، ۱۴۰۴، ق. ۳۶۲/۹) یاد شده است.

برخی از پژوهشگران معاصر با نظر سلبی به پدیده پالایش روایات تقیه‌ای نگریسته‌اند و آن را همانند ادعای اخباری‌ها مبنی بر تصفیه کتب اربعه از روایات ضعیف (بحرانی، ۱۴۰۵، ق. ۱۰-۹/۱) دانسته‌اند (اخلاقی‌امیری و حائری، ۱۳۹۱، ۱۵۶).

مقصود آیت‌الله سیستانی از نبود روایات تقیه‌ای در تراش روایی و فقهی شیعه به نحو مطلق ولو تراثی که به دست متأخرین همچون مجلسی در «بحارالانوار»، حر عاملی در «وسائل‌الشیعه» و دیگر کتب فقهی و حدیثی که توسط اخباری‌ها تألیف

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۵۲

شده است، نیست؛ زیرا اشتغال روایات متعارض و تقیه‌ای در آن‌ها محل وفاق است و شواهد متعددی دارد. مقصود و مدنظر در نظریه پالایش، جوامع حدیثی متقدم است که به نوعی مصادر کتب اربعه محسوب می‌شوند از جمله می‌توان «جوامع الآثار یونس بن عبدالرحمن»، «مشیخه حسن بن محبوب» و «کتب مختلف ابن ابی عمیر» را نام برد که در اصطلاح فنی از آن تعبیر به اصل یا کتاب (مصنفات) می‌شود (سیستانی، ۱۳۹۸، ۳۲۸/۱). برخی از فقیهان معاصر به رویکرد امام صادق علیه السلام نسبت به کتاب «السنن و الاحکام و القضايا» منسوب به امام علی علیه السلام اشاره نموده و بیان می‌کنند که اصحاب، بسیاری از احادیث مشکل ساز و تقیه‌ای آن را حذف نموده‌اند در حالی که بسیاری از روایات تقیه‌ای که توسط صاحب حدائق نقل می‌گردد از این کتاب انتخاب شده است.

در نتیجه ادعای حذف روایات تقیه‌ای به صورت مطلق و یا پالایش منابع حدیثی معتبر از پدیده تقیه که گاهی با عنوان محل نزاع تقریر شده است، مورد نظر آیت‌الله سیستانی و طرفداران نظریه پالایش نمی‌باشد.

نظریه آیت‌الله سیستانی در هفت امر بیان گردید که نتیجه آن، پالایش احادیث از تقیه را توجیه‌پذیر نموده است و در نتیجه کثرت حمل بر تقیه توسط فقها و تأثیر تقیه در پدیده اختلاف حدیث را غیر موجه می‌گرداند.

کارکرد حد اقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۵۳

از میان امور نام برده، برخی به صورت مستقیم ارتباط با توجیه‌ناپذیری کثرت حمل بر تقیه و انکار نقش ویژه تقیه در اختلاف حدیث می‌نماید از جمله امر اول، چهارم، پنجم، ششم و هفتم به این مسئله می‌پردازد.

همچنین امر دوم و سوم در کلام آیت‌الله سیستانی و صاحب جواهر به صورت مستقیم به پالایش و تصفیه جوامع حدیثی از روایات تقیه‌ای اشاره می‌نماید.

در امر دوم اشاره گردید که خواص اصحاب با شناخت روایات تقیه‌ای و رواج تعابیری همچون جراب نوره، از ورود روایات تقیه‌ای در جوامع حدیثی جلوگیری نمودند و همچنین با توجه به کیفیت تنقیح و تدوین روایات و دقت خاص راویان در نگارش احادیث، امکان ورود حجم وسیعی از روایات تقیه‌ای، مورد خدشه است.

۵. اشکالات مطرح شده بر نظریه پالایش

بر نظریه پالایش چند ایراد و اشکال وارد شده است که ضمن بیان آن‌ها، پاسخ هر کدام نیز بیان می‌گردد.

اشکال نخست این است که می‌توان روایات کتب اربعه و دیگر کتب روایی را دورنمایی از احادیث اصول و مصنفات دانست و با توجه به اینکه روایات تقیه‌ای در این کتب و به خصوص در دو کتاب «تهذیب» و «استبصار» بسیار دیده می‌شود، می‌توان در مورد مصدر و مرجع کتب اربعه؛ یعنی اصول اربع مئه نیز وجود روایات تقیه‌ای را تأیید نمود؛ در نتیجه می‌توان گفت اصحاب خاص ائمه علیهم‌السلام بر فرض شناخت روایات تقیه‌ای، کتب خود را از آن‌ها تصفیه نکرده بودند (صفری، ۱۳۹۴، ۳۱۴-۳۱۵).

این نوع استدلال که احتمالات فراوانی در کتب اربعه حدیثی از جمله سقط، کذب، تقیه و انواع آسیب‌های حدیثی در آن کتب دیده می‌شود و از آنجا که این کتب دور نمای اصول و مصنفات است مشخص می‌کند که در آن‌ها نیز چنین اشکالاتی وجود دارد، غلط است؛ زیرا اصول، مرجع احادیث و سنجه صحت و سقم حدیث به شمار می‌رود و شرط صحت احادیث را انطباق با اصول معروفه بیان کرده‌اند. اگر مرجع و ملاک صحت نیز بخواهد به آسیب‌های احادیث دیگر مبتلا شود، دیگر سنجش و اصل و فرع صحیح نیست.

به تعبیری با توجه به طرق و روش تحمل حدیث از جمله شنیدن از صاحب کتاب یا قرائت کتاب نزد او یا اجازه شیخ به شاگرد در نقل حدیث، احتمالات ذکر شده مورد تأیید عقلا نیست و توسط اصول عقلایی دفع می‌گردد. همچنین می‌توان ادعا نمود که کتب اربعه برگرفته از منابع متعدد است و برای حل آسیب‌های حدیثی تدوین کرده است و مرجع کتب اربعه، منحصراً اصول مصنفات نیست.

اشکال دوم، آیت‌الله سیستانی برای اثبات عدم تأثیر به سزای تقیه در پدیده اختلاف احادیث ضمن اشاره به اقوال موافق و تاریخچه بحث با تبیین نظریه پالایش جوامع حدیثی از روایات تقیه‌ای در صدد اثبات این مسئله بودند که با زحمت فقیهان و قدما، تقیه راهی برای ورود به جوامع حدیثی متقدم ندارد.

آنچه این نظریه را مورد تردید جدی قرار می‌دهد و از کارآمدی آن در فضای مطالعات فقه می‌کاهد، رویکرد شیخ طوسی و دیگر فقیهان بعد از ایشان است؛ زیرا بر اساس مبانی حجیت خبر واحد، ورود روایات اعم از صحیح و سقیم، تلاش برای جمع روایات و حمل بی‌رویه روایات بر تقیه، عملاً محیط فقه شیعه و کتب فقیهان در اعصار مختلف مملو از روایات تقیه‌ای شده است و آنچه کمک به شناسایی روایات تقیه‌ای می‌نماید، صرفاً ضوابط و طرق کشف روایات تقیه‌ای است.

تصفیه جوامع حدیثی متقدم، اصول و مصنفات زمانی می‌تواند مثمر ثمر باشد که این روش توسط دیگر فقیهان دنبال شود تا بتوان ادعا نمود آنچه به‌عنوان تقیه حمل می‌گردد خالی از وجه فنی است، به دیگر تعبیر نظریه آیت‌الله سیستانی و صاحب جواهر مبنی بر پالایش روایات تقیه اگرچه از حیث علمی و شناخت تاریخیچه حمل بر تقیه صحیح و متین است اما این مباحث صرفاً به‌صورت علمی شایان توجه است و نه کاربردی؛ زیرا امروز با جوامع احادیث متقدم، اصول و مصنفات سروکار نداریم و محل مراجعه و تحلیل، کتب اربعه حدیثی و دیگر جوامع متأخر است، جوامعی که از روایات تقیه‌ای پر شده است.

کارکرد حداقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۵۵

نتیجه‌گیری

برخی از فقیهان حمل بر تقیه را مهم‌ترین سبب اختلاف احادیث دانسته‌اند اما در مقابل فقیهانی چون شیخ مفید، صاحب جواهر و سید علی سیستانی، نقش تقیه در اختلاف حدیث را مهم و مؤثرتر از سایر اسباب اختلاف تلقی نکرده‌اند. آیت‌الله سیستانی در تبیین این قول از مقدمات، شواهد و ادله هفتگانه بهره گرفته است که برخی از آنها، توجیه‌ناپذیری کثرت حمل بر تقیه و انکار نقش ویژه تقیه در اختلاف حدیث را تبیین می‌نماید و دیگر مقدمات، مؤیدی بر نظریه پالایش جوامع حدیثی از روایات تقیه‌ای است. در این نوشتار برخی از مقدمات هفتگانه با نقد مواجه گردید و شاید مهم‌ترین اشکال بر نظریه آیت‌الله سیستانی، لغویت و ناکارآمد بودن این نظریه است؛ زیرا در فضای فقه با جوامع احادیث متقدم، اصول و مصنفات سروکار نداشته و محل مراجعه و تحلیل، کتب اربعه حدیثی و دیگر جوامع متأخر است، جوامعی که

از روایات تقیه‌ای پر شده است و نظریه آیت‌الله سیستانی صرفاً پالایش جوامع متقدم از روایات تقیه‌ای را توجیه می‌نماید.

آنچه به‌عنوان پیشنهاد پژوهش برای دیگر پژوهشگران قابل طرح و بررسی است، پیامدها و ثمرات این دیدگاه در فتاوی فقهای فقیهانی همچون آیت‌الله سیستانی و صاحب جواهر است که آیا ایشان به ثمرات عملی کارکرد حداقلی تقیه در فضای مطالعات فقه، پایبند بوده‌اند یا در فرایند استنباط همانند بسیاری از فقیهان از گزاره حمل بر تقیه استفاده و افری برده‌اند.

منابع

۱. آبی، حسن بن ابیطالب. (۱۴۱۷ ق). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. محقق: علی‌پناه اشتهاوردی و حسین یزدی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. ابن‌ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ ق). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تحقیق: مهدی لاجوردی، بی‌جا: جهان.
۴. ابن‌شهر آشوب، حسن بن زین‌الدین. (۱۳۱۸). معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن‌طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ ق). فتح الأبواب بین ذوی الأبواب و بین رب الأرباب فی الاستخارات. مصحح: حامد خفاف، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. ابن‌قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۹۸). کامل الزیارات. مصحح: عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضویة.
۷. ابن‌مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ ق). المزار الکبیر. مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. اخلاقی امیری، حسنعلی، و حائری، محمد حسن. (۱۳۹۱). نقد و بازخوانی نظریه پالایش منابع حدیثی معتبر از روایات تقیه‌ای. مجله علوم حدیث. شماره ۶۴ رتبه علمی. ص ۱۳۸.
۹. حسینی جلالی، سید محمد رضا. (۱۴۱۸ ق). جراب الثوره بین اللغة و الاصطلاح. مجله علوم الحدیث، العدد ۲. ص ۹.
۱۰. خطیب بغدادی. (۱۴۱۷ ق). تاریخ بغداد. بیروت: دار الکتب العلمیة.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵
تابستان ۱۴۰۳

۵۶

۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۲۸ ق). **فوائد الأصول / مجمع الفکر**. قم: مجمع الفکر الإسلامي.
۱۲. بجنوردی، حسن. (۱۴۱۹ ق). **القواعد الفقهية (بجنوردی)**. محقق: محمد حسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: نشر الهادی.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ ق). **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**. محقق: محمد تقی ایروانی و عبدالعزیز طباطبایی و عبدالرزاق مقرر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۴. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۵ ق). **الفوائد الحائرية**. قم: مجمع الفکر الإسلامي.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**. محقق: محمد رضا حسینی جلالی، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۶. سیستانی، سید علی. (۱۳۹۸). **تعارض الأدلة و اختلاف الحديث**. محقق: سید هاشم هاشمی، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۷. العاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۳۹۲). **موسوعة الشهيد الأول**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. العاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ ق). **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية** (شرح: زین الدین بن علی شهید ثانی و محمد کلانتر). قم: کتاب فروشی داوری.
۱۹. العاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۹ ق). **ذکری الشیعة في أحكام الشريعة**. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۲۰. نجفی، محمد حسن بن باقر. (۱۴۰۴ ق). **جواهر الكلام (ط. القديمة)**. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۱. صدر، محمد باقر، هاشمی شاهرودی، محمود. (بی تا). **بحوث في علم الأصول**. قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۲۲. صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۸۱). **نقش تقيه در استنباط**. قم: بوستان کتاب قم.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). **مجمع البحرين**. محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مکتبه المرتضوية.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰). **الاستبصار فيما اختلف من الأخبار**. محقق: حسن خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). **تهذيب الأحكام**. مصحح: علی اکبر غفاری. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۲۶. عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹ ق). **مفتاح الكرامة**. محقق: محمد باقر خالصی. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

کارکرد حد اقلی
حمل بر تقیه در
اختلاف احادیث

۲۷. علیزاده نوری، عطیه. محمد تقی فخلعی و حسین صابری. (۱۳۹۳). نگرشی تاریخی - تحلیلی به مرجحیت مخالفت با عامه در متون فقه امامیه و تأملاتی در آن. *مجله فقه*. پاییز ۱۳۹۳. ص ۶۵.
۲۸. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۰۵ ق). *كشف اللثام عن قواعد الأحكام*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۹. کاظمی، اسدالله بن اسماعیل. (بی تا). *كشف القناع عن وجوه حجية الإجماع*. بی جا: بی نا.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *أصول الكافي*. محقق: محمود کتابچی، هاشم رسولی و جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الكافي (اسلامیه)*. محقق: محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. قم: دار إحياء التراث العربي.
۳۳. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ ق). *معارج الأصول*. محقق: محمدحسین رضوی کشمیری. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳۴. مددی، سید احمد. (۱۳۹۶). *درس خارج اصول*.
۳۵. مددی، سید احمد. (۱۳۹۳). *درس خارج فقه*.
۳۶. مددی موسوی، سید محمدکاظم. (۱۳۹۳). *سیر تحول حمل بر تقیه در فقه از دوره شیخ طوسی تا دوره مقدس اردبیلی: تحول از طریقت به موضوعیت*. *مجله فقه*، شماره ۴. ص ۹۵.
۳۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). *جوابات أهل الموصل في العدد والرؤية*. محقق: مهدی نجف، قم: المؤتمر العالمي لآلئفة الشيخ المفید.
۳۸. میرحسینی، یحیی، و باباخانی، علی. (۱۳۹۷). *تطور تاریخی راه کارهای تحقق تقیه در سیره ائمه شیعه عليه السلام*. *مجله تاریخ اسلام*، شماره ۷۵. ص ۱۴۹.
۳۹. نائینی، محمدحسین. (۱۴۱۱ ق). *کتاب الصلاة (نائینی)*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۱. همدانی، آقارضا بن محمدهادی. (۱۴۱۶ ق). *مصباح الفقيه*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴۲. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم. (۱۳۶۴). *مستند العروة الوثقی*. مقرر: مرتضی بروجردی، قم: لطفی.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵
تابستان ۱۴۰۳

۵۸

References

1. Fāḍil Ābī, Zabīb al-Dīn Abū Ṭālib. 1996/1417. *Kashf al-Rumūz fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
2. Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad Ibn Aḥmad. 1996/1410. *al-Sarā'ir al-Ḥāwī li Tahḥīr al-Fatāwī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
3. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). 1999/1378. *'Uyūn Akhbār al-Riḍā ('A)*. 1st. Tehran: Nashr Jahān.
4. Ibn Ṭāwūs, 'Alī ibn Mūsā. 1988/1409. *Fath al-Abwāb Bayn Dhawā al-Bāb wa Bayn Rabb al-Arbāb fī al-Istikhārāt*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
5. Ibn Qūliwayh al-Qommī, Abulqāsim Ja'far ibn Muḥammad. 2019/1398. *Kāmil al-Ziyārāt*. 1st. Najaf al-Ashraf: Dār al-Murtaḍawīyah.
6. Ibn Mashhadī, Muḥammad ibn Ja'far. 1998/1419. *Al-Mazār al-Kabīr*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
7. Akhlāqī Amīrī, Ḥassan'alī; Ḥā'irī, Muḥammad Ḥassan. 2012/1391. *Naqd wa Bāz Khānī-yi Naẓari-yi Pālāyish-i Manābi'-i Ḥadīthī-yi Mu'tabar az Riwayāt-i Taqīyī-eī*. 'Ulūm-i Ḥadīth, 64 (17), 138-159.
8. Al-Ḥusaynī Jalālī, al-Sayyid Muḥammad Riḍā. 1997/1418. *Jirāb al-Nūrat Bayn al-Lughat wa al-Iṣṭilāḥ*. 'Ulūm-i Ḥadīth, 2 (1), 9-57.
9. Abū Bakr Aḥmad ibn 'Alī ibn Thābit (Al-Khaṭīb al-Baghdādī). 1996/1417. *Tārīkh Baghdād*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
10. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 2007/1428. *Farā'id al-Uṣūl*. 5th. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
11. Mūsawī Bujnurdī, Sayyid Muḥammad. 1998/1419. *Qawā'id-i Fiqhīyyi*. Qom: Nashr al-Hādī.
12. Āl 'Uṣfūr al-Baḥrānī, Yūsuf ibn Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1984/1405. *Al-Ḥadā'iq al-Nāḍirat fī Ahkām al-'Itrat al-Ṭāhirah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn. Al-Ḥā'irī
13. al-Wahīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir. 1994/1415. *Al-Fawā'id al-Ḥā'irīyah*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmīyah.
14. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1988/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Tafṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
15. al-Ḥusaynī al-Sistānī, al-Sayyid 'Alī. 2019/1441. *Ta'arūḍ al-Adillat wa Ikhtilāf al-Ḥadīth*. Qom: Mu'assasat Ismā'īliyyān.
16. al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 2013/1392. *Mawsū'at al-Shahīd al-Awwal*. Pazhūhishgāh-i 'Ulūm wa Farhang-i Islāmī.
17. al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1989/1410. *Al-Rawḍat al-Bahīyat fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyya fī Fiqh al-Imāmīyya*. Maktabat al-Dāwarī.

18. al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1998/1419. *Dhikrā al-Shī‘a fī Ahkām al-Sharī‘a*. Qom: Mu’assasat Āl al-Bayt li Ihya’ al-Turāth.
19. Shahīdī Pūr, Muḥammad Taqī. 2018/1397. *Taqrīrāt Dars al-Khārij*.
20. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. 7th. Edited by ‘Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
21. al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. n.d. *Buḥūth fī ‘Ilm al-Uṣūl*. Taqrīr (written by) Sayyid Maḥmūd al-Hāshimī al-Shāhrūdī. Qom: Markaz al-Ghadīr lil Dirāsāt al-Islāmīyah.
22. Ṣafarī, Ni‘matullāh. 2015/1394. *Naqsh-i Taqīyah dar Istibāt*. Pazhūhishgāh-i ‘Ulūm wa Farhang-i Islāmī.
23. al-Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn. 1995/1375. *Majma‘ al-Baḥrayn*. 3rd. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyya li Ihya’ al-Āthār al-Ja‘farīyyah.
24. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1970/1390. *Al-Istibṣār fīmā Ikhtalafa min Akhbār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
25. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1986/1407. *Tahdhīb al-Ahkām fī Sharḥ al-Muqni‘at lil Shaykh al-Mufīd*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
26. ‘Āmilī, Sayyid Jawād ibn Muḥammad. 1998/1419. *Miftāḥ al-Kirāmah fī Sharḥ al-Qawā‘id al-‘Allāmah*. 1st. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
27. ‘Alīzādih Nūrī, ‘Aṭīyah; Fakhla‘ī, Muḥammad Taqī; Ṣābirī, Ḥusayn. 2014/1393. *Nigarishī Tārīkhī-Tahlīlī bih Marja‘iyat-i Mukhālīf bā ‘Āmīh dar Mutūn-i Fiqh-i Imāmīyah wa Ta‘ammulī dar Ān*. Fiqh, 81 (21), 65-92.
28. Al-Fāḍil al-Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1995/1416. *Kashf al-Lithām wa al-Ibhām ‘an Qawā‘id al-Ahkām*. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-‘Uzmā al-Mar‘ashī al-Najafī.
29. Kāzimī, Asadullāh ibn Ismā‘īl. *Kashf al-Qinā‘ ‘an Wujūh Ḥujjīyat al-Ijmā‘*. Aḥmad al-Shīrāzī.
30. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya‘qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *Uṣūl al-Kāfi*. Edited by ‘Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. 4th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
31. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya‘qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *al-Kāfi*. 14th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
32. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-‘Allama al-Majlisī). 1982/1403. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi‘a li Durar Akhbār al-‘Imma al-Āthār*. 2nd. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
33. al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja‘far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 2002/1423. *Ma‘ārij al-Uṣūl*. Qom: Mu’assasat Al-Imām al-‘Alī (‘A).

34. Madadī Sayyid Aḥmad. 2017/1396. *Buḥūth al-Khārij al-Uṣūl Āyatullāh Madadī*. <http://www.ostadmadadi.ir/persian/lesson/12057/>
35. Madadī Sayyid Aḥmad. 2014/1393. *Buḥūth al-Khārij al-Uṣūl Āyatullāh Madadī*. <http://www.ostadmadadi.ir/persian/book/11527/8705/>
36. Madadī Sayyid Aḥmad. 2014/1393. *Buḥūth al-Khārij al-Uṣūl Āyatullāh Madadī*. <http://www.ostadmadadi.ir/persian/book/11527/8705/>
37. Madadī al-Mūsawī, Sayyid Muḥammad Kāzīm. 2014/1393. *Sayr-i Tahawwul-i Ḥaml bar Taqīyih dar Fiqh az Dawrih-yi Shaykh Tūsī tā Dawrih-yi Muqaddas-i Ardabilī: Tahawwul az Ṭarīqat bih Mawḍūʿiyat*. Fiqh, 82 (21), 95-109.
38. Ibn Nuʿmān, Muḥammad Ibn Muḥammad (al-Shaykh al-Mufīd). 1992/1413. *Jawābāt Ahl al-Mūṣil fī al-ʿAddad wa al-Ruʿyat*. Qom: al-Muʿtamar al-ʿĀlamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
39. Mīr Ḥusaynī, Yahyā; Bābā Khānī, ʿAlī. 2018/1397. *Taṭawwur-i Tārīkhī-yi Rāhkārḥā-yi Taḥaqquq-i Taqīyih dar Sayr-i Aʿimih-yi Shīʿih (ʿA)*. Tārīkh-i Islām, 75 (19), 149-178.
40. Al-Gharawī al-Nāʿinī, Muḥammad Ḥusayn (*al-Muḥaqqiq al-Nāʿinī, Mīrzā Nāʿinī*). 1990/1411. *Kitāb al-Ṣalāt*. Qom: Muʿassasat al-Nashr al-Islāmī li Jamāʿat al-Mudarrisīn.
41. al-Nūrī al-Ṭabrasī, al-Mīrzā Ḥusayn (*al-Muḥaddīth al-Nūrī*). 1987/1408. *Mustadrak al-Wasāʿil wa Mustanbat al-Masāʿil*. Qom: Muʿassasat Āl al-Bayt li Ihyaʿ al-Turāth.
42. Hamadānī, Riḍā ibn Hādī. 1995/1416. *Miṣbāḥ al-Faqīh (Kitāb al-Ṭahārah)*. Edited by Muḥammad Bāqirī. Qom: Qom: Muʿassasat al-Nashr al-Islāmī li Jamāʿat al-Mudarrisīn.
43. Al-Burūjirdī, Mutadā. n.d. *Mustanad al-ʿUrwat al-Wuḥqā* (Taqīrāt Buḥūth Āyatollāh Khuʿī). Luṭfī.

